



# ایران ورجاوند

مجله ایران‌شناسی | سال ۲ | شماره ۳ | پاییز و زمستان ۱۳۹۸ | ۳۰۰۰۰ تومان

- ◆ کوزه فقاع: تقسیری دشوار بین متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی
- ◆ ملاحظاتی درباره هنر متأخر ساسانی: سرستون‌های منقوش تاق بستان
- ◆ هویت‌شناسی و بررسی باستان‌شناختی بافت تاریخی روستای تیغدر قاین
- ◆ شاهکاری سرگردان در پستو: ابریق برنجی موزه باستان‌شناسی شهر زنجان
- ◆ بررسی باستان‌شناختی بخش‌های زهان و شاسکوه شهرستان زیرکوه خراسان جنوبی
- ◆ اهوره مزدا و شاپور دوم؟ یادداشتی بر سنگ‌نگاره دبهیم‌ستانی اردشیر دوم در تاق بستان

# ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



مجله ایران شناسی

سال ۲ | شماره ۳ | پاییز و زمستان ۱۳۹۸ |

| شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |

ا صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: دکتر شاهین آریامنش |

امدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گچبری ساسانی یافت شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گچبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتز باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری تاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گچبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه‌گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گچبری هم اکنون در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

تهران، صندوق پستی: ۵۶۹-۱۴۵۱۵

[www.iranvarjavand.ir](http://www.iranvarjavand.ir)

[Iranvarjavand@hotmail.com](mailto:Iranvarjavand@hotmail.com)

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶



همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است. تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

| با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



# ”سیاهه“

## مقاله

- اهوره مزدا و شاپور دوم؟ یادداشتی بر سنگ‌نگاره دیهیم‌ستانی اردشیر دوم (۳۷۹-۳۸۳ م) در تاق بستان  
۴ برونو اورلت، ترجمه سجاد بهرامیان
- ملاحظات دربارۀ هنر متأخر ساسانی: سرستون‌های منقوش تاق بستان ا متتو کمپارتی، ترجمه شاهین آریامنش  
۲۰
- شاهکاری سرگردان در پستو: ابریق برنجی موزه باستان‌شناسی شهر زنجان ا علی نوراللهی  
۳۴
- کوزۀ فقاغ: تفسیری دشوار بین متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی استفان پرادینس، ترجمه محسن سعادت  
۶۴
- بررسی باستان‌شناختی بخش‌های زهان و شاسکوه شهرستان زیرکوه خراسان جنوبی ا محمد فرجامی، علی اصغر  
۷۴ محمودی‌نسب
- هویت‌شناسی و بررسی باستان‌شناختی بافت تاریخی روستای تیغدر قاین ا علی اصغر محمودی‌نسب، اسماعیل  
معروفی اقدم

## درگذشتگان

- ۱۲۰ رابرت دایسن ... آرشاک ایروانیان

## پیشخوان

- ۱۲۱ افول و سقوط شاهنشاهی ساسانی و ... آرشاک ایروانیان

## گزارش

- ۱۲۵ نکوداشت استاد رضا مستوفی فرد آرشاک ایروانیان
- نخستین همایش دوسالانه بین‌المللی انجمن علمی باستان‌شناسی ایران، برهمکنش‌های فرهنگی، پیوست و  
گسست  
۱۳۱
- هفدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران  
۱۳۶
- بیانیه جامعه باستان‌شناسی ایران درباره نصب دوربین‌های مدار بسته در محل کار کارشناسان باستان‌شناسی  
۱۴۲







# کوزه فقاغ: تقسیری دشوار بین متون تاریخی و شواهد باستان‌شناسی

استفان پرادینس

ترجمه محسن سعادت

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

و مرکز باستان‌شناس اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان تهران

## مقدمه

در این نسخه ارائه شده در نشریه باستان‌شناسی اسلامی بخشی از آن در هفدهم دسامبر ۲۰۱۴ در مؤسسه باستان‌شناسی شرق فرانسه (IFAO)، قاهره و با عنوان فقاغ: بحث در مورد نارنجک‌های آتش‌زا و باروت جهان اسلام ارائه شد. این همایش همچنین شامل دو ارتباط مهم شفاهی است: رابرت الگود (لندن، SOAS) مقدمه‌ای بر باروت و سلاح گرم در اسلام، ایمی زوج (لیون، Ciham, UMR 5648)، نارنجک‌های آتش‌زا و استفاده از آنها در خاور نزدیک (-Xe/XVIIe siècle - Ve/XIe). (des).

فقاغ را می‌توان به‌طور خلاصه به‌عنوان یک خاک رس متراکم در بالای بالا، تقریباً شیء سنگی توصیف کرد. دارای بدنی مستحکم و ضخیم که بیشتر اوقات با یک پوشش خاکستری-قهوه‌ای پوشانده شده و با برش (بریدگی) یا قالب تزئین شده و به‌ندرت دارای

طرح پژوهشی جنگ‌ها، فرهنگ‌ها و جوامع که به همراهی همکارانم ایمی زوج و ماتئو آیککن انجام دادم، بخشی از فرهنگ مادی را شامل می‌شد. در چهارچوب این برنامه من یک روز مطالعه را کمک جولی مونسامپ برگزار کردم. هدف ما از این مطالعه این بود که نگاهی به دو موضوع بیاندازیم: فقاغ و استفاده از سلاح گرم در جهان اسلام. هدف جمع‌آوری بسیاری از متخصصان در مورد این نوع سفال و همچنین جنگ در قرون میانی اسلام تا دانش ما در مورد کوزه‌ی فقاغ و استفاده از نارنجک‌های آتش‌زا در شرق ارزیابی شود. بحث در مورد موضوع فقاغ نیز به این معنی است که مطالعه استفاده از آتش و باروت یونانی مجدداً در فرهنگ‌های مسلمانان باز شده است. استفاده از سلاح گرم در قرون میانه خاورمیانه، موضوعی است که به اندازه کافی پیگیری نشده است.

\*این مقاله برگردانی است از:

Pradines, S. 2016. "The Sphero-conical Vessel: A Difficult Interpretation between Historical Sources and Archaeology", *Journal of Islamic Archaeology*, N.3.2, Pp. 153-162

لعاب فیروزه‌ای آبی است. طول قفّاع از ۵ تا ۳۰ سانتی متر متغیر است. همیشه به شکل قلب بوده و دارای بدنه‌ای گرد و تقریباً کروی و دهانه‌ای در قسمت فوقانی مانند یک بطری است. دهانه همیشه با گردن کوتاه بسیار باریک است. این اشیاء از آفریقا تا آسیای میانه به دست آمده (Watson 2004: 130) و از قرن نهم تا پانزدهم مورد استفاده قرار گرفته است. مورخان تلاش کرده‌اند تا با استفاده از منابع اولیه، عملکرد قفّاع را توضیح دهند. باستان‌شناسان در عین حال به توضیحاتی درباره ریخت‌شناسی و طبقه‌بندی مبتنی بر گاهنگاری می‌پردازند. فرضیه‌های مختلفی درباره این نارنجک‌های معروف به قفّاع مطرح شده است. این فرضیه‌ها با گذشت زمان تکامل یافته‌اند. این اشیاء بیشتر در زمینه پژوهش هنر اسلامی مرتبط بوده تا اکتشافات عملی در رابطه با محتویات آنها.

### آتش یا نارنجک دستی یونانی

یکی از اولین فرضیه‌ها که در سال ۱۸۷۴ منتشر شد، این بود که این اشیاء به‌عنوان آتش یونانی مورد استفاده قرار می‌گرفته است (Saulcy 18-34: 1874). این در حالی بود که فلیکن سولسی ۶۰ نارنجک مکشوفه در طرابلس لبنان را مورد مطالعه قرار داد. این ۶۰ کوزه قفّاع در یک دایره قرار داشتند، که یک ظرف انفرادی در مرکز قرار داشته و از نظر شکل با بقیه یکسان امام بزرگ‌تر بود. یک ظرف دارای کتیبه نشان‌دهنده ساخت این اشیاء در حما سوریه است. وجود جیوه در تجزیه و تحلیل عنصری یکی از ظروف تشخیص داده شده، که این فرضیه را تأیید می‌کند که یک نوع ماده آتش‌زا یونانی است که مؤلفه اصلی آن نفت خانم یا بنزین سنگین

است. سولسی با مقایسه آنها با منابع صلیبی آنها را به نارنجک‌های آتش‌زا مقایسه کرده است. بیشتر آنها در شهرهای مستحکم، کاروانسراها و قلعه‌ها یافت شده است. زمینه کشف آنها از این فرضیه که این اشیاء به‌عنوان جنگ‌افزار جنگی استفاده می‌شوند، را تأیید می‌کند. البته این فرضیه را باید دوباره در بستر پایان قرم نوزدهم قرار داد. دوباره جنبش رمانتیک و شرق‌شناسی، جنگ‌های صلیبی را مُد کرد.

فردریش زاره در سال ۱۹۲۵ نیز این شی را با یک نارنجک آتش‌زا و یا بمب دستی پرتاب شونده، مرتبط دانست (Sarre 1925: 133-136). درباره این اشیاء در ادبیات آلمانی در متون جنگی اشاره شده است. این بار، یک بستر اجتماعی جدید وجود دارد، یعنی بین سال‌های جنگ بین فرانسه و آلمان. چندین استدلال برخلاف این فرضیه مبنی بر قفّاع به‌عنوان نارنجک‌های آتش‌زا مطرح شده است. یکی از مشکلات مطرح شده توسط لین این است که این اجسام سنگین و بسیار سخت هستند و حتی اگر به سمت دیوار پرتاب شوند، شکسته نمی‌شوند (Lane 1947: 27). سواژه از فرضیه نارنجک آتش‌زا حمایت کرد و توضیح داد این اشیاء توسط منجنیق‌ها پرتاب شده‌اند (Sauvaget 1950: 525-530). با این حال، این توضیحات قانع‌کننده نیست: چراکه از ماشین‌هایی به این بزرگی برای پرتاب چنین اشیاء کوچک استفاده می‌کنند؟

استدلال دیگر در مورد این اشیاء به‌عنوان سلاح جنگی با تزیینات روی این اشیاء مرتبط است. در برخی از آنها تزیینات قالبی، غالباً با حکاکی، گاهی با کتیبه و به‌ندرت با لعاب آبی فیروزه‌ای استفاده شده است (تصویر ۱ و ۲).

تزیینات برخلاف عملکرد آنها به عنوان یک نارنجک آتش‌زا عمل می‌کند (Seyrig 1959: 81-89). چرا نارنجک‌هایی که قرار است شکسته شوند را تزیین می‌کنند؟ استدلال مطرح شده توسط طرفداران این فرضیه مبنی بر استفاده از فقاغ به عنوان نارنجک آتش‌زا این است که از نظر اسلام سلاح دارای تزیین همیشگی غنی و پر بار است، بنابراین هیچ دلیلی وجود نداشت که نارنجک‌ها نیز تزیین نشوند. این استدلال باید به دو دلیل رد شود: اول اینکه، سلاح با تزیینات قرار نیز فقط یکبار استفاده و سپس دور ریخته شود. سلاح و زره‌پوش مورد استفاده قرار می‌گرفت و حفظ می‌شد. دوم اینکه، این مسئله فقط مختص سلاح‌های دارای وضعیت و اعتبار بود، که از لحاظ مذهبی و یا مختص شاهزاده، بسیار تزیین شده بود. و معمولاً این سلاح‌ها در موزه‌های ما به نمایش گذاشته شده است. سلاح‌های عمومی سربازان از لحاظ تزیین غنی نبود.

در حفاری‌های انجام شده توسط مونیک کروان در صحار در قرن ۱۴ بعد از میلاد نارنجک‌های واقعی آتش‌افزا کشف شد (Kervran 1993: 61). جسمی که در خلیج [فارس] کشف شد کوچک بود، با ظرفی کرووی مسطح با بدنه خاک رس نارنجی و ضخامت متوسط داشت. هیچ تزیینی روی آن وجود ندارد. این نوع شیء مربوط به خانواده فقاغ‌ها نیست.

در این شماره ویرایش شده، دیوید نیکول به تعبیر قبلی صادق است و این اشیاء را نارنجک‌های قرون میانی اسلامی معرفی می‌کند و شواهد بیشتری را در زمینه نظامی به ما ارائه می‌دهد. بقایای چهارچوب جنگ، اما به دور از بافت نارنجک‌های آتش‌زا، استیفن

پردینس استفاده مجدد نظامی از فقاغ‌ها در سودان در قرن نوزدهم را نشان می‌دهد. سرانجام، ذکر این نکته حائز اهمیت است، که در متون نظامی، چاشنی یا پودر باروت عثمانی بسیار شبیه به فقاغ‌های قرون میانه در هر اندازه و شکل است، تفاوت اصلی این است که در قطعات عثمانی از چوب ساخته شده و با برنج حکاکی و تزیین شده است. آنها از سلاح گرم، اسلحه‌های بلند و تپانچه استفاده می‌کردند. به همین دلیل غیرممکن است از آنها در قرون میانه به همان روش مورد استفاده قرار گرفته‌اند، حتی اگر شباهت آنها در چهارچوب نظامی مسلمانان نیز مشاهده شود.

### انتقال و تغییر در واژگان

در سال ۱۹۲۹، وون آرنت پیشنهاد تغییر در کلمه نارنجک را به کلمه بی‌طرف‌تر کرووی مخروطی شکل (spherisch konischen) را داد (Arendt 1929-1931: 20-21).

آرنت و سپس زاره در سال ۱۹۳۵، عملکرد ولقعی این اشیاء را زیر سوال بردند (Sarre 1935: 76-78): نارنجک‌های سفالی یا گلوله‌های آتش‌زا؟. این تغییر در اصطلاحات و رویکرد خنثی‌تر محققان را قادر ساخت تا برای ایجاد اولین گونه‌شناسی بیشتر روی شکل‌ها و تزیینات متمرکز شوند و شروع به تلاش و ایجاد تکامل زمانی از این اشیاء کنند. این تغییر کلمه همچنین محققان را قادر به ارائه تعابیر جدید برای بررسی عملکردهای بیشتر این اشیاء اسرارآمیز می‌کند. با این حال، این رویکرد بسیار ضعیف است، چرا که ریسک‌پذیری و تفسیری قاطع وجود ندارد. الیور واتسون توضیح می‌دهد که فقاغ‌ها در اهداف بسیاری مورد استفاده قرار می‌گیرد و وی نوشت که بیشتر تفاسیر ممکن





تصویر ۱. فقاق با قالب، حکاکی و تزیینات با کتیبه عربی. دیوارهای قاهره، محوطه دراسا، ۲۰۰۷.

است صحیح باشد. به نظر می‌رسد که فقاق‌ها دارای عملکردهای مختلفی هستند نه یک عملکرد واحد. با این حال، همانطور که توسط واتسون اشاره شد، هر عملکردی که باشد، این کوزه‌ها و محتویات آنها از اهمیت و وضعیت اجتماعی بالایی برخوردار است (Wat-son 2004: 128-129). در این نشریه، والتینا وزولی شیوه و رسم فقاق در بعلبک را دنبال می‌کند. او ادعا می‌کند که مکن است این اشیاء عملکردهای مختلفی داشته است. جولی مونشامپ فقاق‌های دیوار ایوبی قاهره را معرفی می‌کند. گونه‌شناسی وی از قرن یازدهم تا پانزدهم میلادی نشان‌دهنده تکامل زمانی از اشکال در طول تاریخ قرون میانی مصر است.

### ظروف مخصوص مشروبات الکلی

فرضیه دیگری پس از کاوش‌های سامرا در سال ۱۹۴۰ آغاز شد، جایی که بر روی یکی

از فقاق‌ها نوشته شده بود: «آنها ما را با شراب بالغ پر می‌کنند». پیشنهاد شد که فقاق‌ها به‌عنوان بطری‌های کوچک برای شراب استفاده می‌شوند. متأسفانه، سواژه نشان داد که متن عربی اشتباه ترجمه شده و در واقع این دعای خیر است (Sauvaget 1950: 525-530). وی همچنین اضافه کرد که گردن بطری خیلی باریک است تا هوا از آن عبور کند و بنابراین در هنگام نوشیدن مشکل ایجاد می‌کند. در سال ۱۹۵۹، سیریگ اضافه کرد که اضلاع درونی ظروف فقاق بسیار متخلخل و دارای خاصیت جذب هستند، از این رو کمتر می‌توان آن را مخصوص شراب و آبجو دانست (Seyrig 1959: 81-89). علاوه بر این، همان‌طور که قبلاً سواژه اشاره کرد، با توجه به دهانه باریک این ظروف، پُر کردن آنها دشوار است. با این حال، فرضیه ظروف الکی کنار گذاشته نشد. اخیراً در سال ۱۹۹۲، قوچانی و عدل می‌خواستند آنها



تصویر ۲. فقاغ با قالب و تزئینات توسط یک لعاب فیروزه‌ای پوشیده شده است. دیوارهای قاره، محوطه بزرگ الظفر، ۲۰۱۱.



تصویر ۳. فقاغ لعابدار با تزئین طلا که توسط سلطان یمن در سال ۱۲۹۶-۱۲۹۵ ساخته شده است. موزه ویکتوریا و آلبرت، مجموعه ویلفرد باکلی، شماره موزه: C.153-1936.



تصویر ۴. فقاغ با مهر دارای کتیبه عربی، دیوارهای قاهره، محوطه المشتی، ۲۰۱۶، US1149

این اشیاء، دعای خیر یا اسامی زنان هستند که می‌تواند نشان‌دهنده مصارف خانگی آنها باشد. سرانجام استدلال شد که این ظروف با توجه به دهانه بسیار باریک، برای پُرکردن هر نوع مایع دشوار است. دمارچی در سال ۱۹۶۵ و راجرز در سال ۱۹۶۹ از فرضیه دمنده‌های آتش حمایت کردند، که در مقابل تمام تخصص‌های فنی استفاده شده باشد (Dumarçay 1965: 158-147, Rogers and 1969: 75-79). این هم نظر دونالد ویتکمپ است که در این شماره موافقت کرد آنها دمنده‌های آتش هستند. البته مانند نارنجک‌های آتش‌زا، تنها ایراد احتمالی این است که بگوییم اشیای موجود آتش معمولاً هرگز تزیین نمی‌شوند.

### کیمیای‌گری و دارویی

در سال ۱۹۶۵ اتینگهاوزن فرضیه‌ای را مطرح

را به‌عنوان محلی برای نگهداری آبجو معرفی کنند (Ghouchani and Adle 1992: 92-72). فرضیه دیگری که به آبجو اشاره دارد صرفاً براساس منابع تاریخی توسط الدیجی ویگوروس در مملوکیان دمشق ارائه شده است.

### هواکش‌ها یا دمنده‌های آتش

یک فرضیه قوی‌تر که در سال ۱۹۵۱ توسط هیلدبورگ پیشنهاد شد تا فقاغ‌ها را به‌عنوان هواکش تفسیر کند (Hildburgh 1951: 55-27). این شی دمیدن آتش برای بخار است. هواکش با نصف آب پُر شده و در بخاری قرار می‌گیرد؛ آب جوشانده شده سپس بخار هوا را روی آتش می‌گذارد و آتش دوباره می‌گیرد. این فرضیه نیز توسط سیریگ تأیید شده که توضیح می‌دهد که اکثر این اشیاء در بافت‌های خانگی در نیشابور، حما و الفسطاط به‌دست‌آمده است. علاوه بر این بسیاری از کتیبه‌ها بر روی



کرد که این ظروف معروف به فقاغ برای نگهداری جیوه است. وی بیان کرد که بین الگوهای تزئینی روی ظرف و نشانه‌ها و نمادها به‌ویژه ماریچ‌های روبه‌روی هم و ازدها ارتباط دارند. اتینگهاوزن استدلال کرد که فقاغ‌ها ظروف هستند و یا مربوط به کیمیاگری بودند (Ettinghausen 1965: 223–229). مسیر جیوه قدیمی است و قدمت آن به اواخر قرن نوزدهم می‌رسد که توسط سوسی در نارنجک‌هایی در طرابلس لبنان به‌دست‌آمده است (Saulcy 1874: 18–34). طی تجزیه و تحلیل یکی از ظروف، ردی از جیوه کشف شده است. با این حال، مشکلی در این زمینه وجود دارد که اگر این ظروف مربوط به تجارت و حمل و نقل جیوه مربوط هستند، چرا در هیچ یک از معادن جیوه مانند معادن اسپانیا به دست نیامده است؟ با وجود این، این فرضیه بسیار جالب است و باید به استفاده از فقاغ‌ها به‌عنوان ظروف مایعات یا پودرهایی برای اهداف دارویی و پزشکی گسترش یابد.

### لوله‌های آب

تعبیر جدید در سال ۱۹۹۳ توسط ادوارد کیل پیشنهاد شد. فقاغ‌ها می‌توانند مخازن لوله انتقال آب باشند که قبل از معرفی تنباکو مورد استفاده قرار می‌گرفتند. مسلمانان قبل از قرن شانزدهم میلادی دود حشیش و گیاهان دیگر را مصرف می‌کردند. متون یمنی به دو نوع سیگار کشیدن، سیگار کشیدن خشک و سیگار کشیدن با آب را ذکر می‌کنند. کیل فقاغ‌ها را به‌عنوان ظرف‌های آب می‌بیند که در برخی نمونه‌های آن در مینیاتورها صفویه در قرن ۱۷ قابل

مشاهده است (Keall 1993: 280–281). در زبان فارسی قلیان، هندی به هوکا و در زبان ترکی نارگیله معروف است، اولین لوله‌های آب از بدنه نارگیل ساخته شده و هنوز در یمن از آن استفاده می‌شود. کیل معتقد است که فقاغ‌ها نسخه‌های سفالی نارگیل هستند (Keall 1993: 282). این تعبیر هرچند بسیار جذاب است اما دارای سه نکته است. اول اینکه، خود کیل اذعان می‌کند که با وجود تجزیه و تحلیل آنها، هیچ اثری از شاهدانه یا مواد مخدر پیدا نکرده است (Keall 1993: 285 and 281). دوم اینکه، پس از قرن ۱۵ و دوره مملوکی هیچ اثری از فقاغ‌ها وجود ندارد. از این رو، هر آنچه او براساس نمادنگاری صفوی نشان داده، واقعا معتبر نیست. سرانجام، دهانه فقاغ برای این نوع استفاده خیلی باریک است.

### ظروف محتوای عطر و مواد خوشبوکننده

فرضیه نهایی مربوط به بدنه فقاغ است، اما این بار نه برای مسائل بهداشتی بلکه برای موارد زیبایی، عطر و لذت بردن است. در سال ۱۹۹۷، عدل پیشنهاد کرد که فقاغ‌ها به‌عنوان ظروفی برای نگهداری عطر و روغن بدن در حمام‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند (Sharvit 1997: 101–112 and Adhal 1997 Lane). این بطری عطر بوده که پیشنهادی قدیمی است (Lane 1947: 27). استفاده از فقاغ‌ها به‌عنوان بطری روغن، به نظر می‌رسد مشک و عطردان یک فرضیه معتبر باشد (Ettinghausen 1965: 229). به‌ویژه اگر کسی فقاغ‌ها را با بطری‌های روغن و عطر باستانی و کوزه‌های جای مرهم یونانی-رومی مقایسه کند. همچنین استفاده

از پودرهای آرایشی مانند پودر سُرمه برای محافظت در برابر بیماری‌های چشم را فراموش نکنیم. مایعات باارزش موجود در داخل به صورت قطره ریخته می‌شود، که به قطر دهانه بسیار کوچک نیاز دارد. مایعات و پودرهای آرایشی نیز با کیمیاگری در ارتباط هستند و این ممکن است بعضاً اهداف پزشکی را نیز شامل شود (Sharvit 1997: 101-112). استفاده از لوازم آرایشی و یا بهداشتی توضیح می‌دهد که چرا این اجسام با لعاب فیروزه‌ای و فقاغ از ظرف ساخته شده و در قرن نوزدهم از ایران توسط واتسون منتشر شد، که به گفته وی به احتمال به‌عنوان محل عطر مورد استفاده قرار گرفته است (Watson 2004: 132). لازم به ذکر است که فقاغ‌ها در اینجا از جنس شیشه بودند (تصویر ۳). یکی از مشهورترین آنها گلاب‌پاشی است که در مصر یا سوریه برای المالك الاشرف ابوالفتح عمر ساخته شده، که از سال ۱۲۹۵ تا ۱۲۹۶ میلادی بر یمن حکومت می‌کرده است (Victoria and Albert Museum, London, C.153-1936). دارای لعاب آبی و با طلا و کتیبه عربی تزئین شده است. استدلال می‌شود که از این ماده به عنان یک اتمی شده برای مقداری مایع گرانبها استفاده شده است. در این مقاله، من تعبیر جدید از فقاغ به‌عنوان اشیاء مرتبط با تجارت ادویه و عطر در اقیانوس هند پیشنهاد می‌کنم.<sup>۱</sup>

**گام بعدی برای پژوهش‌های آینده چیست؟**  
در نوامبر سال ۲۰۱۶، فقط چند ماه قبل از انتشار این مقاله، در قاهره یک فقاغ با یک مهر

که دارای کتیبه عربی بود، پیدا کردم (تصویر ۴). به گفته همکار ما فردریک بادن، کتیبه در کاوش‌های دیوار شهر کشف شد، یک اسم نیست بلکه دو کلمه است که به احتمال مربوط به عملکرد شی است.

و السبر الحسیس  
به معنی کاوش و شکستن  
حرف اول مشخص نیست بنابراین خود را با چندین تفسیر نشان می‌دهد. این کلمه به اکتشافی که با استفاده از کاوشگر انجام می‌شود، اشاره دارد (برای مثال کاوشگر جراحی که هنگام مراجعه به بدن انسان استفاده می‌شود). همچنین می‌تواند به‌عنوان الشار (بیماری، تب) خوانده شود. کلمه دوم کاملاً واضح به نظر می‌رسد (به احتمال دیگر الحشیش، با توجه به ماهیت شی به نظر می‌رسد). این به صدای ضعیفی اشاره دارد که توسط چیزی تولید می‌شود و دیده نمی‌شود، بنابراین می‌تواند صدای چیزی باشد که توسط یک شی در حال تولید است یا به همان اندازه صدای آتش انفجار است.

بیش از یک پاسخ، کتیبه ما می‌تواند چند تفسیر ارائه شده در این مقاله را پشتیبانی کند: الحسیس می‌تواند به سر و صدای توسط آتش یونانی، نارنجک‌های آتش‌زا، هواکش‌ها یا دمنده‌های آتش اشاره کند. الحشیش می‌تواند به لوله‌های آب اشاره کند. و سرانجام السبر یا حتی الشار می‌تواند به پزشکی یا مرهم دارویی اشاره کند.

به‌طور واضح، سهم ما در این دوره پاسخی به این سوال نخواهد داد که دقیقاً فقاغ چیست. مورخان هنر، باستان‌شناسان

۱ فقاغ‌های آسیای میانه از بندرهای ایران از طریق راه ابریشم وارد می‌شدند.

و مورخان به فرضیه‌های خود پایبند هستند: می‌تواند نارنجک آتش‌زا، دمنده‌های آتش، بطری‌های عطر یا ظروفی برای مشروبات الکلی باشد. سفال‌شناسان ترجیح می‌دهند در حالت توصیفی باقی بمانند، تمایز بین الگوهای منطقه‌ای و گاهنگاری مفید است. ما باید سؤالات دیگری در مورد این اشیاء پرسیم، نه تنها برای موارد استفاده از آنها، بلکه در خصوص آنچه که قبل از ققاع مورد استفاده قرار می‌گرفته و کدام اشیاء جایگزین آنها شدند. باید سه کار مهم انجام شود: نقشه‌برداری، گاهنگاری و تجزیه و تحلیل. نقشه‌برداری از مکان‌هایی که این اشیاء از آنجا یافت شده، ضروری است. ققاع در ازبکستان، ایران، سوریه، مصر و کشورهای جنوب صحرائی آفریقا مانند سودان به دست آمده است. همچنین نشان دادن مکان‌هایی که این اشیاء در آنجا وجود ندارد نیز مهم است. هدف آن است که مناطقی را که در آن این اشیاء استفاده شده برای تعیین نه تنها مسیرهای تجاری بلکه میزان گسترش آنها نیز نقشه‌برداری شود. در حال حاضر، هیچ یک از این اشیاء در شرق آفریقا و در سواحل دریای مدیترانه به دست نیامده است. آیا در سواحل هند ققاع وجود دارد؟ هنگامی که یک نقشه دقیق داشته باشیم، تفسیر کاربرد دقیق این اشیاء با توجه به تجارت یا استفاده بالقوه آسان‌تر خواهد بود. ققاع‌ها در سراسر جهان اسلام یافت شده‌اند، اغلب در قرون دوازدهم و سیزدهم، که بسیاری از آنها به دوره مملوکی نسبت داده شده است. با این وجود، ققاع قبل از آن زمان در دوره عباسی،

فاطمی و ایوبی نیز به دست آمده است. طول عمر ققاع از قرن نهم تا پانزدهم میلادی است. ققاع در اواخر دوره مملوکی ناپدید شدند، زیرا اهمیت استفاده از آنها به دو دلیل کاسته شده است: اول اینکه، ظروف دیگر جایگزین شدند. دوم اینکه موادی که از آنها وجود داشت یا تغییر کرده بودند و یا در حال استفاده نبودند. آشنایی دقیق برای درک زمان شروع این شی و از کجا مهم است، همچنین بینیم چگونه از نظر شکل و تزیینات تکامل یافته و سرانجام این شی از بین رفته است. در مرحله آخر انجام آنالیزهای تجزیه و تحلیل عنصری ققاع است که می‌تواند بخشی از مطالب را حفظ کند.<sup>۱</sup> حرف آخر برای باستان‌شناسان: این اشیاء را تمیز نکنید تا سعی شود تجزیه و تحلیل عنصری مواد داخل آنها انجام شود.

۱ پروژه و تجزیه و تحلیل جدید توسط عمر دانزیگر، مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه عبری اورشلیم (Katia Cy-tryn-Silverman) و رانا هولود (Eric Schmidt at Rayy: Excavations, Methods and Materials) انجام شده است.



- al-Hasan, A. and D. Hill. 1986. *Islamic Technology: An Illustrated History*. Cambridge: Cambridge University Press/UNESCO.
- Arendt, W. 1929–1931. "Die späriskhonischen Geräte aus gebranntem Ton." *Zeitschrift für historische Waffen und Kostümkunde* 12: 206–210.
- Bagatti, B. 1953. "Bombe a fuoco Greco." *Palestina (VIII-XIII secolo)* 39: 35–38.
- Brosh, N. 1980. "A re-examination of Islamic ceramic grenades." *Atiqot* 14, 114–115. Jerusalem: Department of Antiquities and Museums.
- Dumarçay, J. 1965. "Eolipiles?" *Syria* 42: 75–79.
- Ettinghausen, R. 1965. "The use of spherico-conical vessels in the Muslim East." *Journal of Near Eastern Studies* 24: 218–229. <https://doi.org/10.1086/371816>.
- Fuat, S. 2002. *Technologies of Warfare, Texts and Studies*. Natural Sciences in Islam Vol. 80. Frankfurt: Goethe University.
- Gohlke, W. 1912–1914. "Handbrandgeschosse aus Ton." *Zeitschrift für historische Waffenkunde* 6: 377–387.
- Ghouchani, A. and C. Adle. 1992. "A spherico-conical vessel as fuqqâa, or a gourd for 'beer'." *Muqarnas* 9: 72–92. <https://doi.org/10.2307/1523137>.
- Hildburgh, W. 1951. "Aeolipiles as fire-blowers." *Archaeologia* 94: 27–55. <https://doi.org/10.1017/S0261340900007207>
- Keall, E. 1993. "One man's mede is another man's Persian: One man's coconut is another man's grenade." *Muqarnas* 10: 275–285. <https://doi.org/10.2307/1523192>
- Kervran, M. 1993. *Sohar Fort Museum, Sultanate of Oman, Mascate*.
- Kniel, K. 1912. "Mittelalterliche palästinsische Granaten." *Das Heilige Land* 56: 15–23.
- Kuehn, S. 2011. *The Dragon in Medieval East Christian and Islamic Art*. Leiden: Brill. <https://doi.org/10.1163/ej.9789004186637.i-390>
- Lane, A. 1947. *Early Islamic Pottery: Mesopotamia, Egypt and Persia*. London: Faber and Faber.
- Lenz, E. 1912–1914. "Handgranaten oder Quecksilbergefäße?" *Zeitschrift für historische Waffenkunde* 6: 367–376.
- Mercier, M. 1952. *Le Feu Grégeois. Les feux de guerre depuis l'antiquité. La poudre à canon*. Paris: P. Geuthner.
- Rogers, J. M. 1969. "Aeolipiles again." In *Forschungen zur Kunst Asiens in Memoriam Kurt Erdmann*, edited by Kurt Erdmann, Oktay Aslanapa and Rudolf Naumann, 147–158. Istanbul: Istanbul Üniversitesi Edebiyat Fakültesi, Türk ve İslâm Sanatı Kürsüsü.
- Sarre, F. 1925. "Keramik V. Kriegsgerät." In *Baalbek*, edited by Theodor Wiegand, 133–136. Berlin: de Gruyter.
- Sarre, F. 1935. "Tongranaten oder handbrandgeschosse." In "Die Keramik der islamischen Zeit von Milet." In *Das Islamische Milet*, edited by Karl Wulzinger, Paul Wittek and Sarre Friedrich, 76–78. Berlin: de Gruyter.
- Saulcy, F. 1874. "Note sur des projectiles à main, creux et en terre cuite, de fabrication arabe." *Mémoires de la Société Nationale des Antiquaires de France* 5: 18–34.
- Sauvaget, J. 1949. "Flacons à vin ou grenades à 'feu grégeois'?" *Annuaire de l'Institut de philologie et d'histoire orientales et slaves* 9: 525–530.
- Savage-Smith, É. 1997. "Spherico-conical vessels: A typology of forms and functions." In *Science, Tools and Magic, Part Two: Mundane Worlds, Volume XII Part 2*, edited by E. Savage-Smith, 324–333. Oxford: The Nasser D. Khalily Collection of Islamic Art.
- Seyrig, H. 1959. "Flocons? Grenades? Eolipiles?" *Syria* 36: 81–89.
- Sharvit, J. 2008. "The spherico-conical vessels." In *Panias II: Small Finds and Other Studies*, edited by V. Tzafiris, and S. Israeli, 101–112. Jerusalem: Israel Antiquities Authority.
- Watson, O. 2004. "Ceramics from Islamic lands." In *The al-Sabah Collection Dar al-Athar al-Islamiyyah*, Kuwait National Museum, 128–132. London: Thames & Hudson.

# “Contents”

## Article

Ahura Mazda and Shapur II? A Note on Taq-I Bustan I, The Investiture of Ardashir II   Bruno Overlaet, Persian translated by Sajjad Bahramian	4
Remarks on Late Sasanian Art: The Figural Capitals at Taq-e Bostan   Matteo Compareti, Persian translated by Shahin Aryamanesh	20
A Wandering Masterpiece in Closet: Brass Ewer of Zanjan Archaeological Museum   Ali Norallahi	34
The Sphero-conical Vessel: A Difficult Interpretation between Historical Sources and Archaeology   S, Pradines, Persian translated by Mohsen Saadati	64
Archaeological Survey of Zahan and Shaskuh Sections of Zirkuh County of South Khorasan   Mohammad Farjami & Ali Asghar Mohmoodi Nasab	74
Archaeological Survey of the Historical Context of the Village of Tighdar in Qaen   Ali Asghar Mahmoodi Nasab & Esmaeil Marofi Aghdam	103

## Obituary

Robert Henry Dyson   Arshak Iravanian	120
---------------------------------------	-----

## Critique and Book Review

Decline and Fall of the Sasanian Empire ...   Arshak Iravanian	121
--	-----

## Reports

Memordom of Reza Mostofi Fard	125
First International Conference of the Society of Iranian Archaeology: “Cultural Interactions, Continuity and Disruption”	131
Seventeenth Annual Sympoaium on the Iranian Archaeology	136
Statement by the Society for Iranian Archaeology	142



# ایران ورجاوند

○ ○ ○ ○ ○  
| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |  
| Persian Journal Of Iranain Studies |  
| Vol. 2, No.3, Autumn & Winter 2020 |

Concessionaire, Manager in Charge  
and Editor-in-chief:  
**| Dr Shahin Aryamanesh |**  
Managing Editor: **Houshang Rostami**

---

 Tehran, Iran, Post box: 14515-569  
 [www.iranvarjavand.ir](http://www.iranvarjavand.ir)  
 [Iranvarjavand@hotmail.com](mailto:Iranvarjavand@hotmail.com)  
 +98 9395969466

---

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system or transmitted in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording or otherwise, without prior permission in writing, from the publisher.

---

With Contributions by  
**| Tissaphernes Archaeological Research Group |**







Persian Journal of Iranian Studies | Vol. 2 | No. 3 | Autumn & Winter 2020



# ایران ورجاوند

Iran-e Varjavand  
(Glorious Persia)

- ◆ Remarks on Late Sasanian Art: The Figural Capitals at Taq-e Bostan
- ◆ Archaeological Survey of the Historical Context of the Village of Tighdar in Qaen
- ◆ A Wandering Masterpiece in Closet: Brass Ewer of Zanjan Archaeological Museum
- ◆ Ahura Mazda and Shapur II? A Note on Taq-I Bustan I, The Investiture of Ardashir II
- ◆ Archaeological Survey of Zahan and Shaskuh Sections of Zirkuh County of South Khorasan
- ◆ The Sphero-conical Vessel: A Difficult Interpretation between Historical Sources and Archaeology